

مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز
دوره بیست و پنجم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۸۵ (پیاپی ۴۹)
(ویژه‌نامه علوم تربیتی)

سوگیری‌های حافظه‌ی آشکار و نهان در افسردگی

پگاه مهرطلب* دکتر حمید رضا عریضی** دکتر حمید طاهر نشاط دوست***
دانشگاه اصفهان

چکیده

در همه‌ی نظریه‌های شناختی اعتقاد بر این است که سوگیری در فرآیند پردازش اطلاعات، نقش مهمی در ایجاد و تداوم اختلال‌های هیجانی بازی می‌کند. در این پژوهش سوگیری‌های حافظه‌ی آشکار و نهان برای اطلاعات دارای بار هیجانی، در افراد مبتلا به افسردگی مورد بررسی قرار گرفته است. جامعه‌ی آماری این پژوهش، دانشجویان دانشگاه اراک بوده‌اند که با به کارگیری پرسشنامه‌ی افسردگی بک (۱۹۷۸) و پرسشنامه‌ی سلامت عمومی گلدبرگ و هیلر (۱۹۷۹) در دو گروه افراد مبتلا به افسردگی (۲۰ نفر) و افراد عادی (۲۰ نفر) جایگزین شدند. در این پژوهش از چهار نوع کلمه (مرتبط با افسردگی، مرتبط با تهدید اجتماعی، مثبت و خنثی) استفاده شد. برای ارزیابی حافظه‌ی آشکار و نهان به ترتیب، از آزمون یادآوری آزاد و تکلیف تکمیل ریشه‌ی کلمه استفاده گردید. نتایج به دست آمده گویای آن است که، افراد افسرده سوگیری هماهنگ با خلق را در آزمون یادآوری آزاد نشان داده‌اند، در حالی که مدرکی دال بر سوگیری هماهنگ با خلق حافظه‌ی نهان در افراد مبتلا به افسردگی به دست نیامده است. این یافته‌ها از دید مبانی نظری و هماهنگی یا بی‌هماهنگی با نتایج پژوهش‌های پیش مورد بحث قرار گرفته‌اند.

واژه‌های کلیدی: ۱. سوگیری ۲. حافظه‌ی آشکار ۳. حافظه‌ی نهان ۴. یادآوری آزاد.

* کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی

** استادیار گروه روانشناسی

*** دانشیار گروه روانشناسی

۱. مقدمه

در همه نظریه‌های شناختی اعتقاد بر این است که سوگیری^۱ در فرایند پردازش اطلاعات، نقشی مهم را در ایجاد و تداوم اختلالات هیجانی بازی می‌کند (کلارک و مک منیوس^۲، ۲۰۰۲).

سوگیری در اینجا برای توصیف هرگونه رجحان نظامدار^۳ اولویت‌ها در جهت تصمیم‌گیری، به کار می‌رود؛ به ویژه آن دسته از اولویت‌ها که انتخاب یا عدم انتخاب اطلاعات دارای معنای هیجانی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. این‌گونه نظریه پردازان می‌گویند که این نتیجه را به ذهن متبادر سازد که افراد مستعد حالت‌های هیجانی منفی مانند اضطراب و افسردگی بیشتر ممکن است که اطلاعات هماهنگ با خلق را برگزینند و در حافظه انبار کنند (کلارک و فربورن^۴، ۱۳۸۰).

تئوری‌های شناختی پرشماری برای تبیین سوگیری‌های شناختی هماهنگ با خلق ارائه شده است.

بر اساس رویکرد طرحواره ای بک^۵ (۱۹۷۸؛ به نقل از بادلی، کاپلمن و ویلسون^۶، ۲۰۰۲)، در افسردگی طرحواره‌های ناکارآمدی وجود دارد که با پردازش اطلاعات، در مورد فقدان و شکست مرتبط هستند، فعال شدن این طرحواره‌ها، به پردازش انتخابی اطلاعات هماهنگ می‌انجامد.

از سوی دیگر باور^۷ (۱۹۸۱، ۱۹۹۲؛ به نقل از هیلی، پراکتر و واینر^۸، ۲۰۰۳) معتقد است هر هیجان در شبکه تداعی^۹ به صورت یک گره^{۱۰} بازنمایی می‌شود و با دیگر بازنمایی‌های موجود در شبکه مرتبط می‌گردد. فعال شدن هر گره هیجانی باعث افزایش دسترسی به مواد هماهنگ با خلق و در نتیجه سوگیری به نفع پردازش اطلاعات هماهنگ با خلق می‌شود.

بنابراین بر اساس این دو نظریه پیش بینی می‌شود که در افراد مبتلا به اختلالات هیجانی سوگیری‌های هماهنگ با خلق در دامنه‌ی وسیعی از فرایندهای شناختی منعکس شود (برادلی، ماگ و میلر^{۱۱}، ۱۹۹۶).

اگرچه شواهد بسیاری مبنی بر وجود سوگیری‌های هماهنگ با افسردگی در تکالیف حافظه‌ی آشکار^{۱۲} (مانند یادآوری آزاد^{۱۳}) و سوگیری‌های هماهنگ با اضطراب در تکالیف توجهی وجود دارد، اما همه‌ی یافته‌ها از این دو نظریه حمایت نمی‌کنند، زیرا هیچ‌گونه مدرکی دال بر سوگیری هماهنگ با اضطراب در حافظه آشکار و سوگیری توجه در افسردگی به دست نیامده است (برادلی و همکاران، ۱۹۹۶).

برای توضیح این یافته‌های متناقض، ویلیامز، واتز، مک لئود و متیوز^{۱۴} (۱۹۸۸؛ ۱۹۹۷) بر اساس نظر (گراف و ماندلر^{۱۵}، ۱۹۸۴؛ ماندلر، ۱۹۹۱؛ به نقل از بانوس، مدینا و پاسکال^{۱۶}، ۲۰۰۱) در مورد تفاوت میان یکپارچگی^{۱۷} و بسط^{۱۸} الگوی دیگری ارائه کرده‌اند.

(گراف و ماندلر، ۱۹۸۴؛ ماندلر، ۱۹۹۱؛ به نقل از بانوس و همکاران، ۲۰۰۱) معتقدند پردازش

شناختی دو مرحله دارد:

۱. مرحله‌ی پیش از توجه که یکپارچگی نامیده می‌شود.

۲. مرحله‌ی پس از توجه که بسط نام دارد.

یکپارچگی فرایندی است خودکار، ناهوشیار و غیرارادی که به انسجام و یکپارچگی ساختار درونی بازنمایی ذهنی یک محرک و در نتیجه افزایش قابلیت دسترسی به آن می‌انجامد. بنابراین یک بازنمایی کاملاً منسجم و یکپارچه بیشتر احتمال دارد که به ذهن بیاید و در نتیجه تولید، دیده یا شنیده شود؛ زمانی که فقط برخی از مشخصات آن در محیط ارائه می‌گردد.

از سوی دیگر بسط یک فرایند راهبردی، هوشیارانه و ارادی است که به برقراری ارتباطات تازه میان یک بازنمایی ذهنی و دیگر بازنمایی‌های موجود در حافظه می‌انجامد و به دلیل افزایش راه‌ها و نشانه‌های بازیابی - که می‌توانند در یادآوری به کار گرفته شوند - منجر به افزایش قابلیت بازیابی کلمه می‌شود (برادلی، ماگ و ویلیامز، ۱۹۹۵؛ دالگلیش و پاور، ۱۹۹۹).

پیرو این نظریات، ویلیامز و همکاران (۱۹۸۸؛ ۱۹۹۷) بیان کرده‌اند که افسردگی با سوگیری منفی در فرایندهای مبسوط حافظه که نیازمند تلاش هوشیارانه هستند مشخص می‌شود و سوگیری در فرایندهای خودکار (یکپارچگی) مشخصه‌ی افسردگی نیست بلکه با اضطراب در ارتباط است (اسکات، ماگ و برادلی، ۲۰۰۱).

با توجه به این که عملکرد افراد در آزمون‌های حافظه‌ی آشکار (مانند یادآوری و بازشناسی^{۲۱}) به میزان بسط و در آزمون‌های حافظه‌ی نهان (مانند تکلیف تکمیل ریشه‌ی کلمه^{۲۲} و تکمیل پاره لغت^{۲۳}) به میزان یکپارچگی اطلاعات بستگی دارد (آیزنک و بیرن^{۲۴}، ۱۹۹۴؛ بانوس و همکاران، ۲۰۰۱)، بر اساس نظریه‌ی ویلیامز و همکاران (۱۹۸۸؛ ۱۹۹۷) پیش بینی می‌شود که سوگیری هماهنگ با خلق در افراد افسرده در تکالیف حافظه‌ی آشکار و نه حافظه‌ی نهان بازتاب می‌یابد.

نظریه‌ی ویلیامز و همکاران (۱۹۸۸؛ ۱۹۹۷) درباره‌ی سوگیری حافظه در افراد مبتلا به افسردگی، در پژوهش‌های بسیاری با استفاده از انواع آزمون‌های حافظه‌ی آشکار و نهان ارزیابی شده است. به عنوان نمونه دنی وهانت^{۲۵} (۱۹۹۲)، واتکینز، متیوز، ویلیامسون و فولر^{۲۶} (۱۹۹۲)، رویز-کابالرو و گانزالز^{۲۷} (۱۹۹۴)، برادلی و همکاران (۱۹۹۵)، رویز-کابالرو و گانزالز (۱۹۹۷)، ریدات، استل، رید، گلن و اکارل^{۲۸} (۲۰۰۳)، تارسیا، پاور و ساناوویو^{۲۹} (۲۰۰۳) و لطفی افشار (۱۳۷۶) به شواهدی مبنی بر سوگیری هماهنگ با خلق حافظه‌ی آشکار در افراد افسرده دست‌یافتند.

اگر چه نتایج این پژوهش‌ها با نظریه ویلیامز و همکاران (۱۹۸۸؛ ۱۹۹۷) در مورد سوگیری حافظه‌ی آشکار افراد افسرده به نفع اطلاعات هماهنگ با خلق، همخوان است، اما نتایج گروه دیگری از پژوهش‌ها با پیش بینی‌های این نظریه هماهنگی ندارد. از یک سو، در پژوهش‌های بازین، پراچت، دونیس و فلین^{۳۰} (۱۹۹۴)، دانیون، کافمن-مولر، گرانگ، زیمرمن و گرث^{۳۱} (۱۹۹۵)، ایلسلی، مافوت و

اکارل^{۳۳} (۱۹۹۵)، بازین، پراچت و فلین (۱۹۹۶) و لانگ و کراسک^{۳۳} (۱۹۹۷) مدرکی دال بر سوگیری هماهنگ با خلق حافظه‌ی آشکار در افراد افسرده به دست نیامده است و از سوی دیگر، تعدادی از پژوهشگران به شواهدی مبنی بر سوگیری حافظه‌ی نهان در افسردگی دست یافته‌اند. برای نمونه رویز (کابالرو و گانزالز، ۱۹۹۴؛ ۱۹۹۷) با استفاده از تکلیف تکمیل ریشه کلمه؛ برادلی، ماگ و ویلیامز (۱۹۹۴؛ ۱۹۹۵)، برادلی، ماگ و میلر (۱۹۹۶) و اسکات و همکاران (۲۰۰۱) با استفاده از تکلیف تصمیم واژگانی^{۳۴}؛ واتکینز، واچ، ورنی، مولر و متیوز^{۳۵} (۱۹۹۶) در تکلیف تداعی لغت^{۳۶} و واتکینز، مارتین و استرن^{۳۷} (۲۰۰۰) در تکلیف بازیابی واژه‌ها^{۳۸} به شواهدی مبنی بر سوگیری هماهنگ با خلق حافظه‌ی نهان در افراد افسرده دست یافتند.

این نتایج متناقض در مورد سوگیری حافظه در افسردگی گویای آن است که برای رسیدن به یک نتیجه قطعی و معتبر، لازم است پژوهش‌های بیشتری در این زمینه انجام گیرد. بر همین اساس، در این پژوهش با استفاده از آزمون‌های یادآوری آزاد و تکمیل ریشه‌ی کلمه، سوگیری حافظه‌ی آشکار و نهان در افراد افسرده مورد بررسی قرار گرفته است.

افزون بر این، براساس فرضیه‌ی اختصاصی بودن محتوای شناختی^{۳۹} بک (۱۹۸۸)؛ به نقل از کلارک و فربورن، ترجمه کاویانی، ۱۳۸۰) یکی از تفاوت‌های میان اختلال‌های هیجانی، تفاوت در زمینه‌ی محتوای شناختی نگرانی‌ها و دل مشغولی‌هاست و قوی‌ترین اثرات سوگیری هنگامی رخ می‌دهد که معنای واژه‌ها با مشکل یا نگرانی اصلی آزمودنی‌ها تطابق داشته باشد. از این رو، در این پژوهش با به کار بردن کلمات محرک با چهار گونه بار هیجانی (مربوط به افسردگی، مربوط به تهدید اجتماعی، مثبت و خنثی) به بررسی این نکته پرداخته شده است که آیا سوگیری حافظه تنها در زمینه‌ی اطلاعات مرتبط با هر اختلال روی می‌دهد یا درباره‌ی همه‌ی اطلاعات منفی و یا همه‌ی اطلاعات هیجانی.

بنابراین مسائل مورد بررسی در این پژوهش به طور خلاصه عبارتند از:

- الف. تعیین وجود یا عدم سوگیری هماهنگ با خلق حافظه‌ی آشکار و نهان در افراد افسرده
- ب. ارزیابی فرضیه‌ی اختصاصی بودن محتوای شناختی بک در حافظه‌ی هماهنگ با خلق

۲. روش اجرای پژوهش

۲.۱. آزمودنی‌ها

در این پژوهش دو گروه آزمودنی شرکت داشتند: افراد افسرده و افراد عادی به عنوان گروه کنترل.

برای انتخاب آزمودنی‌های مورد نظر، پژوهشگر در روزهای مختلف به دانشکده‌های دانشگاه اراک مراجعه کرد و از دانشجویان رشته‌های مختلف برای شرکت در این پژوهش دعوت به همکاری نمود. به

این ترتیب ۲۰۰ نفر از دانشجویان دختر مقطع کارشناسی دانشگاه اراک به روش تصادفی انتخاب شدند و به پرسشنامه افسردگی بک^{۴۰} (به نقل از کراز^{۴۱}، ترجمه منصور و دادستان، ۱۳۸۱) پاسخ دادند. در مرحله بعد، از میان افرادی که نمره‌ی آن‌ها در پرسشنامه‌ی افسردگی بک بالاتر از ۱۵ بود، ۲۰ نفر به صورت تصادفی به عنوان افراد افسرده انتخاب شدند. به همین ترتیب ۲۰ نفر از افرادی که نمره‌ی آن‌ها در این پرسشنامه پایین‌تر از ۱۰ بود، نیز به صورت تصادفی گزینش شده و در گروه کنترل قرار گرفتند. به منظور اطمینان از درستی جایگزینی آزمودنی‌ها در گروه افراد افسرده، پیش از انجام پژوهش، از هریک از آن‌ها مصاحبه‌ی بالینی به عمل آمد. در صورتی که براساس اطلاعات به دست آمده از این مصاحبه، افراد انتخاب شده دارای معیارهای تشخیصی DSM IV برای افسردگی نبودند، از گروه افراد افسرده حذف می‌شدند و افراد دیگری جایگزین آن‌ها می‌گردیدند. افزون بر این برای اطمینان از سلامت روانی آزمودنی‌های گروه کنترل، این افراد پرسشنامه‌ی سلامت عمومی^{۴۲} (گلدبرگ و هیلر^{۴۳}، ۱۹۷۹) را تکمیل نمودند و در پایان افرادی که در این پرسشنامه نمره‌ی پایین‌تر از ۲۳ (نقطه برش؛ به نقل از بیابانگرد و جوادی، ۱۳۸۳؛ هومن، ۱۳۷۷) را به دست آوردند به عنوان افراد عادی در پژوهش شرکت کردند. در این مورد نیز افرادی که نمره‌ی بالاتر از ۲۳ را کسب کرده بودند، از گروه کنترل حذف شدند و افراد دیگری دارای شرایط لازم بودند، جایگزین آن‌ها گردیدند. دامنه‌ی سنی آزمودنی‌ها میان ۲۰-۲۸ سال بود. هیچ‌یک از آزمودنی‌ها سابقه بستری شدن در بیمارستان روان پزشکی و اختلال دید نداشتند همچنین تحت درمان روانپزشکی یا روانشناختی نیز نبودند.

۲.۲. ابزارهای پژوهش

مواد و ابزارهای به کار گرفته شده در این پژوهش در سه دسته‌ی قابل تفکیک عبارتند از:

۲.۲.۱. **مواد محرک:** در این پژوهش از ۶۴ کلمه محرک شامل ۱۶ کلمه مرتبط با افسردگی (مانند گریان و غمگین)، ۱۶ کلمه مرتبط با تهدید اجتماعی (نادان و احمق)، ۱۶ کلمه مثبت (مؤدب و زیرک) و ۱۶ کلمه خنثی (کتاب و مداد) استفاده شد. این کلمات از فهرست لغات استفاده شده در پژوهش‌های مشابه (مانند واتکینز و همکاران (۱۹۹۲)، لاند و است^{۴۴} (۱۹۹۷)، مانسل و کلارک^{۴۵} (۱۹۹۹)، تارسیا و همکاران (۲۰۰۳))، انتخاب شدند و ۸ نفر از استادان و دانشجویان کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی و مشاوره، این واژه‌ها را از نظر میزان ارتباط با افسردگی، تهدید اجتماعی و خوشایند بودن روی یک مقیاس ۶ درجه‌ای از صفر تا ۵ درجه‌بندی کردند. انتخاب کلمات نهایی با توجه به ملاک‌های زیر انجام گرفت:

۱. درجه بندی‌های انجام شده به وسیله‌ی کارشناسان: برای اعمال این ملاک از روش به کار رفته در پژوهش‌های (برادلی و همکاران، ۱۹۹۴، ۱۹۹۵) و تارسیا و همکاران (۲۰۰۳) استفاده شده است. بر همین اساس، کلماتی که به طور متوسط از دید ارتباط با افسردگی بیشتر از ۳

($S_D = 0/28, \bar{X} = 3/56$) و از دید ارتباط با تهدید اجتماعی کمتر از ۳ درجه بندی شده بودند، به عنوان کلمات مربوط به افسردگی انتخاب شدند.

به همین ترتیب، کلماتی که به طور متوسط از لحاظ ارتباط با تهدید اجتماعی بیشتر از ۳ ($S_D = 0/46, \bar{X} = 3/42$) و از لحاظ ارتباط با افسردگی کمتر از ۳ درجه بندی شده بودند، در گروه کلمات مربوط به تهدید اجتماعی قرار گرفتند.

کلماتی که میانگین نمرات خوشایندی آنها بیشتر از ۳ بود نیز، به عنوان کلمات مثبت انتخاب شدند ($S_D = 0/36, \bar{X} = 4/15$). واژه‌های مرتبط با افسردگی، تهدید اجتماعی و مثبت همگی صفت و دویا سه سیلابی بودند.

منظور از کلمات خنثی، کلماتی است که حالت هیجانی خاصی را به فرد القا نمی‌کنند. به علت زیاد بودن تعداد کلمات، این واژه‌ها درجه‌بندی نشدند و فقط از دید طول کلمه با دیگر واژه‌ها هم‌تاسازی شدند و حتی الامکان تلاش شد این کلمات مربوط به یک طبقه از اشیا (نوشت افزار) باشند.

۲. فراوانی کاربرد واژه‌ها: در این مرحله سعی شد تا آنجا که ممکن است کلماتی به کار گرفته شود که از دید فراوانی کاربرد در زبان فارسی مشابه باشند. با توجه به این که فرهنگی در مورد فراوانی کاربرد واژه‌ها در زبان فارسی وجود ندارد، برای اعمال این ملاک از نظر افراد شرکت کننده در بررسی مقدماتی استفاده شد؛ به این ترتیب که از افراد خواسته شد کلمات نامأنوس و مبهم را مشخص سازند، سپس این کلمات از لیست نهایی حذف شدند.

در مجموع بعد از اعمال ملاک‌های گزینش واژه‌ها، اجرای مقدماتی و اصلاح و بازبینی، ۶۴ کلمه با ۴ نوع بار هیجانی انتخاب شد.

۲.۲.۲. آزمون‌های حافظه

یادآوری آزاد: در این پژوهش به منظور ارزیابی حافظه‌ی آشکار از آزمون یادآوری آزاد استفاده شد. در این تکلیف، آزمودنی می‌بایست کلماتی را که در مرحله‌ی پیش دیده است، به یاد آورد و یادداشت کند. در این پژوهش نمره‌ی حافظه‌ی آشکار از راه شمارش تعداد کلماتی که فرد به یاد آورده بود، محاسبه می‌شد. نمرات یادآوری بالا برای واژه‌های هماهنگ با حالت هیجانی فرد نسبت به نمرات یادآوری دیگر واژه‌ها، نشان دهنده‌ی سوگیری حافظه در جهت یادآوری واژه‌های هماهنگ با خلق می‌باشد.

تکمیل ریشه‌ی کلمه: برای ارزیابی حافظه‌ی نهان از تکلیف تکمیل ریشه‌ی کلمه استفاده شد. این تکلیف دارای سه حرف آغازین ۴۸ کلمه بود که نیمی از آنها را آزمودنی در مرحله‌ی فراگیری دیده بود و نیمی دیگر مربوط به کلماتی بود که در مرحله‌ی فراگیری ارائه نشده بودند. هریک از این سرنخ‌ها دست کم دارای سه بدیل تکمیل کننده بود که تنهایی از آنها در این پژوهش به کار گرفته شده بود.

سوگیری‌های حافظه‌ی آشکار و نهان در افسردگی / ۲۰۷

در اجرای تکلیف تکمیل ریشه‌ی کلمه، با توجه به الگوهای پژوهشی موجود (مانند دانیون و همکاران، ۱۹۹۵؛ بازین و همکاران، ۱۹۹۶؛ بانوس و همکاران، ۲۰۰۱) فقط از دستورالعمل نهان استفاده شد، به این ترتیب که به آزمودنی گفته می‌شد: «این سرنخ‌ها را با اولین واژه‌ای که به ذهنت خطور می‌کند، تکمیل کن». در واقع در دستورالعمل ضمنی آزمودنی‌ها نباید از رابطه‌ی میان موقعیت مطالعه و آزمون آگاه شوند.

برای محاسبه‌ی نمره‌ی حافظه‌ی نهان نیز از روش‌های به کار رفته به وسیله‌ی واتکینز و همکاران (۱۹۹۲)، لاند و است (۱۹۹۷) و پژهان، دلاور، احدی و ایروانی (۱۳۸۲) استفاده شد، به این ترتیب که نخست مشخص می‌شد که آزمودنی از ۲۴ ریشه‌ی کلمه‌ی مربوط به واژه‌های ارائه شده در مرحله‌ی فراگیری (کلمات آماده سازی شده) چند واژه را درست تکمیل کرده است. به همین ترتیب در مورد واژه‌های ارائه نشده در مرحله‌ی فراگیری نیز، تعداد سرنخ‌های تکمیل شده محاسبه می‌گردید. برای تعیین بار هیجانی کلماتی که افراد برای تکمیل ریشه‌ی واژه‌های به کار نرفته در مرحله‌ی فراگیری، استفاده کرده بودند، مانند مرحله‌ی انتخاب کلمات محرک از نظر تعدادی کارشناس استفاده شد. نمره‌ی حافظه‌ی نهان هر فرد برای کلمات دارای بار هیجانی، از تفاضل این دو نمره به دست می‌آمد.

به منظور بررسی پایایی آزمون‌های حافظه، باچنر و ویپیچ^{۴۶} (۲۰۰۰) پژوهش‌های متعددی را با استفاده از انواع آزمون‌های حافظه، از جمله آزمون تکمیل ریشه کلمه انجام دادند و به شواهدی مبنی بر پایایی بالای این آزمون‌ها دست یافتند؛ در پژوهش انجام شده توسط نشاط دوست (۱۹۹۷) نیز همین نتیجه به دست آمده است.

۲.۲.۳. پرسشنامه‌ها

پرسشنامه افسردگی بک: این پرسشنامه برای نخستین بار در سال ۱۹۶۱ توسط بک و همکاران معرفی شد و بعدها در سال ۱۹۷۱ مورد تجدید نظر قرار گرفت و در سال ۱۹۷۸ انتشار یافت (گراث - مارنات^{۴۷}، ترجمه، شریفی و نیکخو، ۱۳۷۹). این آزمون دارای ۲۱ پرسش چهار جوابی، شامل نشانه‌شناسی افسردگی است که از صفر تا سه درجه‌بندی می‌شوند. نمره‌ی این پرسشنامه از حاصل جمع نمره‌های هریک از پرسش‌ها به دست می‌آید.

این آزمون دارای چهار نمره برش است. نمره کمتر از ۱۰ نشانه‌ی فقدان افسردگی یا کمترین حد افسردگی است؛ از ۱۰ تا ۱۸ نشان دهنده افسردگی خفیف تا متوسط است؛ از ۱۹ تا ۲۹ حاکی از افسردگی متوسط تا شدید است و از ۳۰ تا ۶۳ نشانه‌ی افسردگی شدید است (گراث - مارنات، ترجمه شریفی و نیکخو، ۱۳۷۹).

پرسشنامه سلامت عمومی: این پرسشنامه توسط گلدبرگ وهیلر (۱۹۷۹) برای سنجش سلامت روانی معرفی شده و دارای ۴ مقیاس فرعی شامل نشانگان جسمانی، نشانگان اضطرابی، کارکرد

اجتماعی و نشانگان افسردگی است که در فرم ۲۸ سوالی آن، هر مقیاس ۷ ماده دارد. برای هر ماده به روش نمره گذاری لیکرت، چهار گزینه از ۰ تا ۳ نمره در نظر گرفته شده است که در نتیجه نمره‌ی کل آن در دامنه‌ی ۰ تا ۴۸ قرار می‌گیرد (حبیب و شیرازی، ۱۳۸۲).

۲.۳. روش انجام پژوهش

بعد از انتخاب نهایی شرکت کنندگان، هر آزمودنی به صورت فردی، مورد ارزیابی قرار گرفت. روش کار بدین ترتیب بود که در مرحله‌ی فراگیری یک گروه از کلمات، به صورت تک تک با استفاده از برنامه پاورپوینت^{۴۸} به مدت ۵ ثانیه روی صفحه رایانه نمایش داده می‌شدند. آزمودنی مقابل رایانه و به فاصله‌ی ۵۰ سانتیمتر از آن قرار می‌گرفت و به او گفته می‌شد: «تعدادی کلمه به مدت ۵ ثانیه روی صفحه‌ی نمایشگر رایانه ظاهر می‌شود، آن‌ها را با صدای بلند بخوانید». بعد از ارائه‌ی همه کلمات یک گروه، به منظور جلوگیری از مرور ذهنی کلمات و کنترل اثر تأخر به مدت ۳ دقیقه یک تکلیف انحرافی به آزمودنی‌ها داده می‌شد (از عدد ۵۰، سه تا سه تا کم کند). در مرحله‌ی فراگیری شرکت کنندگان از این که در مرحله‌ی بعد حافظه‌ی آن‌ها برای این کلمات مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت، آگاهی نداشتند.

در مرحله‌ی بعد آزمون‌های حافظه اجرا می‌شد. در مورد ترتیب ارائه‌ی آزمون‌های حافظه‌ی آشکار و نهان نظرات متفاوتی بیان شده است. رویز- کابالرو و گانزالز (۱۹۹۴) معتقدند به خاطر اطمینان از این که اطلاعات یادآوری شده در آزمون حافظه‌ی آشکار، عملکرد آزمودنی‌ها را در تکلیف حافظه‌ی نهان تحت تأثیر قرار نمی‌دهد، تکلیف حافظه‌ی نهان باید قبل از آزمون حافظه‌ی آشکار اجرا شود. از سوی دیگر، لانگ و کراسک (۱۹۹۷) معتقدند که تکلیف یادآوری آزاد به دلیل دشوار بودن باید قبل از آزمون تکمیل ریشه کلمه انجام شود و بیان می‌کنند در صورتی که یک کلمه قابل بازیابی باشد بیشتر احتمال دارد در تکلیف تکمیل ریشه کلمه نیز به کار رود. برخی محققان نیز مانند واتکینز و همکاران (۱۹۹۲) بیان کرده‌اند که ترتیب ارائه آزمون‌های حافظه‌ی آشکار و نهان تأثیری در نتایج آزمون ندارد.

در این پژوهش، با توجه به این که پژوهشگر با نظر رویز- کابالرو و گانزالز (۱۹۹۴) موافق می‌باشد آزمون حافظه‌ی نهان قبل از آزمون یادآوری اجرا شد. برای انجام تکلیف تکمیل ریشه‌ی کلمه به وسیله‌ی پژوهشگر مدت زمان ویژه‌ای تعیین نمی‌شد، اما این تکلیف به طور متوسط ۴ دقیقه به طول می‌انجامید.

بعد از اجرای آزمون حافظه‌ی نهان، آزمون یادآوری آزاد انجام می‌شد. در این مرحله آزمودنی ۵ دقیقه فرصت داشت تا کلماتی را که در مرحله‌ی فراگیری مشاهده کرده است، به یاد آورد و یادداشت نماید.

۳. یافته‌های پژوهش

در این پژوهش نمرات حافظه‌ی آشکار و نهان به عنوان متغیر وابسته و عضویت گروهی آزمودنی‌ها به عنوان متغیر مستقل منظور شده‌اند. برای بررسی عملکرد آزمودنی‌ها در آزمون حافظه‌ی آشکار، نخست نمره‌ی حافظه‌ی آشکار هر فرد، از راه شمارش تعداد کلمات صحیح‌یادآوری شده، با توجه به بار هیجانی کلمات محاسبه شد. میانگین و انحراف معیار نمرات حافظه‌ی آشکار افراد افسرده و عادی برای کلمات دارای بار هیجانی در جدول شماره ۱ ارائه شده است.

جدول ۱: میانگین و انحراف معیار نمرات حافظه‌ی آشکار

کلمات	گروه‌ها	میانگین	انحراف معیار
مربوط به افسردگی	افسرده	۳/۸۰	۱/۰۵۶
	کنترل	۲/۳۰	۰/۹۲۳
تهدید اجتماعی	افسرده	۳/۱۰	۱/۰۷۱
	کنترل	۲/۶۵	۰/۹۳۳
مثبت	افسرده	۲/۱۵	۱/۲۶۸
	کنترل	۳/۶۰	۰/۹۴۰
خنثی	افسرده	۱/۹۵	۱/۰۹۹
	کنترل	۲/۴۰	۰/۹۳۳

با توجه به این که در این پژوهش هر آزمودنی در معرض بیش از یک متغیر آزمایشی قرار گرفته است، برای تحلیل آماری داده‌ها از روش تحلیل واریانس با اندازه‌گیری‌های مکرر^{۴۹} استفاده شد. در این روش، عضویت گروهی به عنوان عامل میان آزمودنی و بار عاطفی کلمات به عنوان عامل درون آزمودنی در نظر گرفته شد.

نتایج تحلیل واریانس با اندازه‌گیری‌های پی‌درپی در آزمون‌یادآوری آزاد در جدول شماره ۲ آمده است.

همان‌گونه که در جدول شماره ۲ دیده می‌شود اثر عامل اصلی بار عاطفی کلمات بر نمرات حافظه‌ی آشکار آزمودنی‌ها معنادار است ($P=۰/۰۰۱$)؛ به عبارت دیگر میان یادآوری انواع کلمات تفاوت معناداری وجود دارد و برخی از کلمات بهتر از کلمات دیگر یادآوری شده‌اند، توان آماری نیز ۰/۹۳ می‌باشد که این میزان پذیرفتنی است.

افزون بر این، نتایج جدول شماره ۲ گویای آن است که عضویت گروهی تأثیر معناداری بر نمرات حافظه‌ی آشکار افراد نداشته است و نمرات حافظه‌ی آشکار گروه‌های مختلف تفاوت معناداری بایکدیگر

ندارند.

براساس اطلاعات این جدول، تعامل دو عامل گروه و بار عاطفی کلمات معنادار است؛ که بیانگر یادآوری متفاوت انواع کلمات در گروه‌هاست؛ یعنی دو گروه از نظر یادآوری کلمات دارای بار هیجانی بایکدیگر تفاوت معناداری داشته‌اند و میزان این تفاوت نیز ۲۶ درصد است؛ به عبارت دیگر، ۲۶ درصد از تفاوت‌های فردی در یادآوری کلمات دارای بار هیجانی به دلیل عضویت گروهی آزمودنی‌ها است. میزان توان آماری نیز ۱ و میزان خطای نوع دوم صفر است.

جدول ۲: نتایج تحلیل واریانس با اندازه‌های تکراری

منبع تغییر	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	معناداری	میزان تفاوت	توان آماری
نوع کلمات	۱۹/۲۲۵	۳	۶/۴۰	۵/۵۴	۰/۰۰۱	۰/۱۲۷	۰/۹۳
گروه × نوع کلمات	۴۷/۱۲۵	۳	۱۵/۷۰	۱۳/۶۰	۰/۰۰۰	۰/۲۶۴	۱/۰۰
گروه	۰/۲۰۰	۱	۰/۲۰۰	۰/۰۳۱	۰/۸۶۲	۰/۰۰۱	۰/۰۵۳

به منظور نمایش بهتر عملکرد آزمودنی‌ها، میانگین نمرات یادآوری کلمات دارای بار هیجانی در افراد افسرده و عادی بر روی نموداری رسم شده است (نمودار شماره ۱).



نمودار ۱: میانگین نمرات حافظه‌ی آشکار آزمودنی‌ها برای کلمات دارای بار هیجانی

همان‌گونه که در نمودار شماره ۱ دیده می‌شود از دید یادآوری واژه‌های مربوط به افسردگی و واژه‌های مثبت میان دو گروه، تفاوت معناداری وجود دارد. به این ترتیب که، افراد افسرده در مقایسه با گروه کنترل کلمات منفی مربوط به افسردگی را بیشتر به یاد آورده‌اند، که این امر گویای سوگیری حافظه به نفع کلمات مرتبط با افسردگی در افراد افسرده است؛ در صورتی که، افراد گروه کنترل واژه‌های مثبت را بیشتر یادآوری کرده‌اند. از نظریادآوری کلمات مربوط به تهدید اجتماعی و خنثی تفاوتی میان دو گروه مشاهده نمی‌شود.

در جدول شماره ۳ میانگین و انحراف معیار نمرات حافظه‌ی نهان افراد افسرده و عادی برای کلمات دارای بار هیجانی ارائه شده است.

جدول ۳: میانگین و انحراف معیار نمرات حافظه‌ی نهان

کلمات	گروه‌ها	میانگین	انحراف معیار
مربوط به افسردگی	افسرده	۱/۷۵۰	۱/۰۶۹
	کنترل	۱/۵۰	۱/۱۰۰
تهدید اجتماعی	افسرده	۱/۱۰۰	۱/۴۸۳
	کنترل	۱/۷۵	۱/۳۷۱
مثبت	افسرده	۱/۸۰	۱/۳۹۹
	کنترل	۱/۷۵	۰/۷۱۶
خنثی	افسرده	۱/۷۵	۱/۳۷۱
	کنترل	۱/۵۵	۱/۰۹۹

برای تحلیل آماری عملکرد آزمودنی‌ها در تکلیف تکمیل ریشه‌ی کلمه نیز از روش تحلیل واریانس با اندازه گیری‌های مکرر استفاده شده و نتایج آن در جدول شماره ۴ ارائه گردیده است. در این روش، عضویت گروهی به عنوان عامل میان آزمودنی و بار هیجانی کلمات به عنوان عامل درون آزمودنی منظور شده‌اند.

بر اساس نتایج این جدول هیچ‌یک از تأثیرات اصلی بار هیجانی کلمات و عضویت گروهی و همچنین اثر تعاملی عضویت گروهی و بار هیجانی واژه‌ها معنادار نیست؛ بنابراین نمرات حافظه‌ی نهان تحت تأثیر بار هیجانی کلمات و عضویت گروهی قرار نگرفته است.

عدم تأثیرپذیری نمرات حافظه‌ی نهان از عضویت گروهی، نشان دهنده‌ی این است که عملکرد آزمودنی‌های گروه‌های مختلف، در تکلیف تکمیل ریشه‌ی کلمه، تفاوت معناداری بایکدیگر نداشته است. علاوه بر این، بار هیجانی کلمات نیز تأثیر معناداری بر نمرات حافظه‌ی نهان نداشته است؛ به

عبارت دیگر، در این پژوهش از نظر تکمیل ریشه‌های سه حرفی مربوط به واژه‌های دارای بار هیجانی تفاوتی مشاهده نمی‌شود.

بنابراین بر اساس نتایج تحلیل واریانس با اندازه‌های تکراری در این پژوهش افراد افسرده و عادی از لحاظ تکمیل سر نخ‌های مربوط به واژه‌های دارای بار هیجانی، تفاوت معناداری بایکدیگر نداشته‌اند و در افراد افسرده سوگیری حافظه به نفع اطلاعات هماهنگ با خلق در تکلیف حافظه‌ی نهان دیده نشده است.

جدول ۴: نتایج تحلیل واریانس با اندازه‌های تکراری

منبع تغییر	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	معناداری	میزان تفاوت	توان آماری
نوع کلمات	۲/۵۱	۳	۰/۸۴	۰/۶۵	۰/۵۸	۰/۰۱۷	۰/۱۸۳
گروه × نوع کلمات	۵/۲۱	۳	۱/۷۴	۱/۳۴	۰/۲۶	۰/۰۳۴	۰/۳۵۱
گروه	۰/۵۰۰	۱	۰/۵۰۰	۰/۰۲۶	۰/۸۷	۰/۰۰۱	۰/۰۵۳

میانگین نمرات حافظه‌ی نهان افراد افسرده و عادی برای کلمات دارای بار هیجانی در تکلیف رمزگردانی خواندن بر روی نمودار شماره ۲ نمایش داده شده است.



نمودار ۲: میانگین نمرات حافظه نهان آزمودنی‌ها برای کلمات دارای بار هیجانی

۴. بحث و نتیجه‌گیری

نتایج به دست آمده از این پژوهش نشان داد که افراد افسرده، واژه‌های منفی مربوط به افسردگی را بیش از گروه کنترل و همچنین بیشتر از دیگر واژه‌ها به یادآورده‌اند. به عبارت دیگر، در افراد افسرده سوگیری حافظه به سود اطلاعات هماهنگ با خلق در آزمون یادآوری آزاد، بازتاب یافته است. در صورتی که این گروه، در آزمون حافظه‌ی نهان (تکمیل ریشه‌ی کلمه) سوگیری حافظه به سود اطلاعات هماهنگ با خلق را نشان ندادند.

این یافته‌ها با الگوی ارائه شده از سوی ویلیامز و همکاران (۱۹۸۸، ۱۹۹۷) درباره‌ی الگوی سوگیری حافظه‌ی آشکار و نهان در افسردگی هماهنگ است. بر اساس این الگو، در افراد افسرده سوگیری حافظه به سود اطلاعات منفی مربوط به افسردگی در فرایند بسط پردازش اطلاعات صورت می‌گیرد و بنابراین در آزمون‌های حافظه‌ی آشکار که تحت تأثیر فرایند بسط هستند، بازتاب می‌یابد. در صورتی که، این افراد در مراحل اولیه و خودکار پردازش اطلاعات (یکپارچگی)، اطلاعات هماهنگ و ناهماهنگ با خلق را به گونه‌ی مساوی پردازش می‌کنند؛ در نتیجه در افراد افسرده سوگیری هماهنگ با خلق در آزمون‌های حافظه‌ی نهان بروز نمی‌کند.

به عبارت دیگر، بر اساس نظر ویلیامز و همکاران (۱۹۸۸، ۱۹۹۷) عدم یافتن سوگیری هماهنگ با خلق در آزمون حافظه‌ی نهان گویای این مطلب است که افراد افسرده هنگام برخورد با محرک‌های محیطی، اطلاعات هماهنگ و ناهماهنگ با خلق را به صورت یکسان مورد پردازش قرار می‌دهند، اما در مراحل هوشیارانه و ارادی پردازش، این افراد به بسط اطلاعات هماهنگ با خلق و برقراری ارتباط میان این اطلاعات و دیگر اطلاعات همسان در حافظه می‌پردازند. این امر به نوبه‌ی خود، باعث افزایش راه‌ها و نشانه‌های بازیابی این اطلاعات شده و در نتیجه قابلیت بازیابی آن‌ها افزایش می‌یابد.

اسکات و همکاران (۲۰۰۱) در مقاله‌ی خود بیان می‌کنند که ویلیامز، واتنز، مک لئود و متیوز (۱۹۸۸، ۱۹۹۷) الگوی نظری خود را با توجه به نتایج حاصل از یک دوره پژوهش در فاصله‌ی سال‌های ۱۹۸۸ تا ۱۹۹۷ مورد بازنگری قرار داده‌اند، با این وجود در نظریه‌ی بازنگری شده نیز، بر این نکته تأکید کرده‌اند که پیش بینی آن‌ها مبنی بر این که سوگیری حافظه در افسردگی مربوط به فرایند بسط اطلاعات است، نه مرحله‌ی یکپارچگی و بنابراین در آزمون‌های حافظه‌ی آشکار منعکس می‌شود، همچنان معتبر می‌باشد.

در این بخش هر یک از یافته‌های پژوهش از دید هماهنگی یا ناهماهنگی با نتایج پژوهش‌های پیشین مورد بررسی قرار گرفته است.

۴.۱. عملکرد افراد افسرده در آزمون‌های حافظه

در این پژوهش، نمرات حافظه‌ی آشکار و نهان افراد افسرده و گروه کنترل تفاوت معناداری با یکدیگر نداشت. به عبارت دیگر، صرف نظر از تفاوتی که از دید یادآوری کلمات دارای بار هیجانی

میان دو گروه مشاهده شد، این افراد در هر دو آزمون حافظه، عملکرد مشابهی نشان دادند. دانیون و همکاران (۱۹۹۵) می‌گویند که افسردگی با یک سری تغییرات کمی و کیفی در حافظه همراه است. تغییرات کیفی مربوط به سوگیری حافظه در جهت اطلاعات منفی است. اما تغییرات کمی حافظه در افسردگی، به نقص در عملکرد افراد افسرده در آزمون‌های حافظه مربوط می‌شود؛ به عبارت دیگر، انتظار می‌رود که افراد افسرده در آزمون‌های حافظه عملکرد ضعیف‌تری از خود نشان دهند.

برخی پژوهشگران به شواهدی مبنی بر نقص عملکرد افراد افسرده در آزمون‌های حافظه دست‌یافته‌اند. برای نمونه هر تل و هاردین^{۵۰} (۱۹۹۰؛ به نقل از الیوت و گرین^{۵۱}، ۱۹۹۲)، دنی وهانت (۱۹۹۲)، واتکینز و همکاران (۱۹۹۲)، بازین و همکاران (۱۹۹۴) گزارش کرده‌اند که افراد افسرده در آزمون‌های حافظه‌ی آشکار نسبت به گروه کنترل عملکرد ضعیف‌تری داشته‌اند، اما در هیچ‌یک از این پژوهش‌ها افسردگی بر عملکرد افراد در آزمون‌های حافظه‌ی نهان تأثیری نداشته است. با این وجود، الیوت و گرین (۱۹۹۲) در پژوهشی که به منظور بررسی حافظه‌ی آشکار و نهان افراد مبتلا به افسردگی بالینی با استفاده از واژه‌های خنثی انجام دادند، به این نتیجه رسیدند که افراد افسرده نه تنها در آزمون حافظه‌ی آشکار، بلکه در آزمون حافظه‌ی نهان نیز عملکرد ضعیف‌تری از خود نشان می‌دهند. اما در این پژوهش سطح عملکرد افراد افسرده در هر دو آزمون حافظه، تفاوتی با گروه کنترل نداشت. احتمالاً افسردگی افراد شرکت‌کننده در این پژوهش، در حدی که باعث نقص عملکرد در آزمون‌های حافظه شود، نبوده است.

۲.۴. سوگیری حافظه‌ی آشکار در افسردگی

در این پژوهش سوگیری هماهنگ با خلق در افراد افسرده، در آزمون حافظه‌ی آشکار مشاهده شد. این یافته، با نتایج حاصل از تحقیقات دنی وهانت (۱۹۹۲)، واتکینز و همکاران (۱۹۹۲)، رویز-کابالرو و گانزالز (۱۹۹۴)، برادلی و همکاران (۱۹۹۵)، رویز-کابالرو و گانزالز (۱۹۹۷)، نشاط دوست و همکاران (۱۹۹۸)، لطفی افشار (۱۳۷۶) و تارسیا و همکاران (۲۰۰۳) همخوانی دارد. در همه‌ی این پژوهش‌ها افراد افسرده، واژه‌های منفی مربوط به افسردگی را بیش از واژه‌های مثبت و خنثی به یاد آورده‌اند. در برخی از این تحقیقات به عنوان نمونه: (دنی وهانت، ۱۹۹۲؛ واتکینز و همکاران، ۱۹۹۲) دستورالعمل‌های ارائه شده به شرکت‌کنندگان در مرحله‌ی فراگیری، نیازمند پردازش اطلاعات به صورت خود ارجاعی بوده است. بلانی^{۵۲} نیز در سال ۱۹۸۶ بیان می‌کند که سوگیری حافظه به سود اطلاعات هماهنگ با خلق تنها زمانی در آزمون‌های حافظه بازتاب می‌یابد که کلمات به صورت خود ارجاعی^{۵۳} رمزگردانی شوند و هنگامی که به شرکت‌کنندگان آشکارا گفته شود که واژه‌ها را به روشی دیگر (مانند دیگر ارجاعی) رمزگردانی کنند، سوگیری هماهنگ با خلق در یادآوری دیده نمی‌شود (برادلی و متیوز، ۱۹۸۳). با این حال، افراد افسرده در تحقیقاتی که در بردارنده‌ی دستورالعمل‌های

آشکار برای پردازش محرک‌ها به صورت خود ارجاعی نبوده است (به عنوان مثال رویز-کابالرو و گانزالز، ۱۹۹۴؛ نشاط دوست و همکاران، ۱۹۹۸ و لطفی افشار، ۱۳۷۶) نیز، سوگیری به نفع یادآوری بیشتر واژه‌های منفی را نشان داده‌اند. در این پژوهش نیز با وجود استفاده از شرایط رمزگردانی خواندن، در افراد افسرده سوگیری هماهنگ با خلق مشاهده شد. به نظر می‌رسد که برخلاف عدم دستورالعمل آشکار برای پردازش خود ارجاعی کلمات در تکلیف رمزگردانی خواندن، ماهیت دستوری کلمات محرک (استفاده از صفات شخصیتی به جای اسم یا فعل)، این نوع پردازش را برانگیخته است.

در واقع عدم استفاده از پردازش خود ارجاعی محرک‌ها، در پژوهش‌های مربوط به سوگیری حافظه، این مزیت را دارد که مشخص می‌کند آیا افراد افسرده در زندگی واقعی که دستورالعمل آشکاری برای پردازش اطلاعات به صورت خود ارجاعی وجود ندارد، نیز سوگیری هماهنگ با خلق را بروز می‌دهند یا خیر.

اگر چه نتایج به دست آمده از بیشتر پژوهش‌ها، از وجود سوگیری حافظه‌ی آشکار در افسردگی حمایت می‌کنند، اما در تحقیقات (دانیون و همکاران (۱۹۹۵)، ایلسلی و همکاران (۱۹۹۵)، بازین و همکاران (۱۹۹۴؛ ۱۹۹۶)، لانگ و کراسک (۱۹۹۷)) مدرکی دال بر سوگیری حافظه‌ی آشکار در افراد افسرده به دست نیامده است.

دانیون و همکاران (۱۹۹۵) در مقاله‌ی خود بیان می‌کنند که کلمات منفی به کار گرفته شده در پژوهش آن‌ها به صورت مستقیم با افسردگی ارتباط نداشته است؛ در صورتی که، سوگیری حافظه در افراد مبتلا به اختلالات هیجانی بر موضوعاتی تمرکز می‌یابد که بیشترین ارتباط را با نگرانی‌های فرد دارند. بنابراین احتمالاً "عدم سوگیری حافظه در یادآوری اطلاعات منفی به این علت بوده است که واژه‌های منفی به کار رفته در این پژوهش با محتوای شناختی افراد افسرده مرتبط نبوده است.

در این پژوهش نیز همان‌گونه که دیده شد در افراد افسرده سوگیری حافظه‌ی آشکار تنها در برابر واژه‌های منفی مرتبط با افسردگی و نه همه‌ی واژه‌های منفی (مربوط به تهدید اجتماعی) روی داد، این یافته با فرضیه‌ی اختصاصی بودن محتوای شناختی بک (۱۹۸۷؛ به نقل از کلارک و فریورن، ترجمه کاویانی، ۱۳۸۰) همخوانی دارد. در این فرضیه مطرح می‌شود که سوگیری حافظه در اختلالات هیجانی بر موضوعاتی که با شدیدترین نگرانی‌های افراد مرتبط هستند، متمرکز می‌شود. این امر اگر چه در برخی شرایط می‌تواند به عنوان یک روش سازگاری عمل کند و بن مایه‌های محدود را صرف موضوعاتی نماید که بیشترین اهمیت را برای فرد دارند؛ اما در مورد افراد آسیب پذیر یا افراد مبتلا به اختلال‌های هیجانی، باعث تمرکز بر اطلاعاتی می‌شود که بیشترین هماهنگی را با حالت هیجانی فرد دارند و کنترل این احساس‌ها را مشکل می‌سازد و به عنوان یک عامل مزاحم در درمان این اختلالات به شمار می‌رود.

با توجه به شواهد موجود مبنی بر این که حالت هیجانی و خلق مسلط یادآوری اطلاعات هماهنگ با خود را از حافظه تسهیل می‌کند، می‌توان نتیجه گرفت که سوگیری در شناخت، بیشتر دستاورد

اثرات ویژه‌ی هیجان است. تلویحات عملی چنین نگرشی از دید بالینی از این دید مهم است که راهبردهای درمانی که تا کنون برای درمان اختلال‌های عاطفی پیشنهاد شده و گسترش یافته‌اند، عمدتاً بر تغییر شناخت تأکید نموده‌اند؛ در حالی که پردازش عاطفی محرک‌ها به دلیل ماهیت ویژه‌ی خود، سریع‌تر صورت می‌گیرد و پردازش شناختی بعدی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بنابراین در صورتی که بتوان راهبردهای درمانی را به گونه‌ای توسعه داد که عمدتاً بر تغییر عاطفه و خلق متمرکز باشند، احتمالاً می‌توان نتایج بهتری را در درمان اختلال‌های عاطفی به دست آورد.

۴.۳. سوگیری حافظه‌ی نهان در افسردگی

در این پژوهش افراد افسرده در آزمون حافظه‌ی نهان سوگیری هماهنگ با خلق را نشان ندادند. این یافته از الگوی ویلیامز و همکاران (۱۹۸۸؛ ۱۹۹۷)، مبنی بر این که در افسردگی سوگیری هماهنگ با خلق تحت تأثیر فرایند بسط اطلاعات است، نه یکپارچگی و بنابراین در آزمون‌های حافظه‌ی آشکار نمود پیدا می‌کند، حمایت می‌نماید و با نتایج پژوهش‌های دنی وهانت (۱۹۹۲)، واتکینز و همکاران (۱۹۹۲)، بازین و همکاران (۱۹۹۴)، ایلسلی و همکاران (۱۹۹۵)، بازین و همکاران (۱۹۹۶)، لانگ و کراسک (۱۹۹۷)، لطفی افشار (۱۳۷۶) و بانوس و همکاران (۲۰۰۱) همخوان است. اما با تحقیقات انجام شده به وسیله‌ی برادلی و همکاران (۱۹۹۴؛ ۱۹۹۵؛ ۱۹۹۶)، رویز- کابلرو و گانزالز (۱۹۹۴؛ ۱۹۹۷)، واتکینز و همکاران (۱۹۹۶؛ ۲۰۰۰) و اسکات و همکاران (۲۰۰۱) که به شواهدی مبنی بر سوگیری حافظه‌ی نهان در افسردگی دست یافته‌اند، متناقض است.

در این پژوهش‌ها از انواع شرایط رمزگردانی (زیرآستانه‌ای^{۵۴}، فوق‌آستانه‌ای^{۵۵}، معنایی^{۵۶} و خودارجاعی) و همچنین آزمون‌های حافظه‌ی نهان متفاوتی (تکمیل ریشه کلمه، تکمیل پاره لغت، تصمیم واژگانی و تداعی لغت) استفاده شده است. در این بخش به برخی از عوامل که به نظر می‌رسد در به دست آمدن این نتایج متناقض نقش داشته باشد، اشاره می‌شود.

۴.۳.۱. آزمون‌های حافظه نهان: توث، رینگلد و جاکوبی^{۵۷} (۱۹۹۴)؛ به نقل از رویز- کابلرو و گانزالز، (۱۹۹۷) بیان می‌کنند که تفسیر نتایج به دست آمده از آزمون‌های حافظه‌ی نهان دشوار است؛ زیرا تکالیف مختلفی برای ارزیابی این نوع حافظه وجود دارد که همیشه بایکدیگر همبستگی ندارند. در این پژوهش به این دلیل از تکلیف تکمیل ریشه کلمه استفاده شده که در پژوهش‌های بسیاری شواهدی مبنی بر سوگیری حافظه‌ی نهان در بیماران مضطرب به وسیله‌ی آن، به دست آمده است.

بحث‌های زیادی مبنی بر این که ممکن است این تکلیف صرفاً بازتاب دهنده‌ی فرایندهای خودکار حافظه نباشد و تحت تأثیر فرایندهای هوشیار و راهبردی پردازش اطلاعات نیز قرار گیرد وجود دارد (رودیگر و مک درموت^{۵۸}، ۱۹۹۲). بنابراین ممکن است افزایش تکمیل ریشه‌های سه حرفی واژه‌های مربوط به افسردگی، در پژوهش‌هایی که با استفاده از تکلیف تکمیل ریشه کلمه، به شواهدی مبنی بر

سوگیری حافظه‌ی نهان در افراد افسرده دست یافته‌اند (رویز-کابالرو و گانزالز؛ ۱۹۹۴؛ ۱۹۹۷)، نه به دلیل افزایش آماده‌سازی و برانگیختگی این واژه‌ها در حافظه بلکه به سبب استفاده از راهبردهای ارادی بازیابی از حافظه باشد. این امر به ویژه در مواردی که افراد در آزمون‌های حافظه‌ی آشکار نیز واژه‌های مربوط به افسردگی را بیشتر یادآوری کرده باشند، صادق است.

با این وجود بانوس و همکاران (۲۰۰۱) معتقدند تا زمانی که میان نتایج به دست آمده از آزمون‌های حافظه‌ی آشکار و نهان همبستگی معناداری دیده نشود، می‌توان از آن به عنوان یک آزمون مطمئن برای ارزیابی حافظه‌ی نهان استفاده کرد. در این پژوهش نیز همان‌گونه که دیده شد هیچ‌گونه شباهتی میان عملکرد افراد در آزمون‌های حافظه آشکار و نهان مشاهده نشده است.

۴.۳.۲. طرح کلی پژوهش: از سوی دیگر همان‌گونه که پیش‌تر گفته شد در آزمون‌های حافظه‌ی نهان، حافظه‌ی افراد به صورت غیرمستقیم ارزیابی می‌شود و در هیچ‌یک از این آزمون‌ها نباید به افراد گفته شود که هدف از این تکلیف، سنجش حافظه‌ی آن‌هاست (بازین و همکاران، ۱۹۹۶)، در صورتی که در پژوهش‌های رویز-کابالرو و گانزالز (۱۹۹۴؛ ۱۹۹۷) در شرایط رمزگردانی معنایی آزمودنی‌ها از این که حافظه‌ی آن‌ها ارزیابی شود، آگاهی داشتند؛ که این امر ممکن است در عملکرد آزمودنی‌ها تداخل کرده باشد و آن‌ها با توجه به واژه‌های ارائه شده در مرحله‌ی فراگیری، آزمون حافظه‌ی نهان را انجام داده باشند؛ زیرا یکی از پیش‌فرض‌های زیر بنایی این آزمون‌ها نادیده گرفته شده است.

۴.۳.۳. نمونه‌های پژوهش: پژوهش‌های یاد شده از دید نمونه‌های مورد بررسی نیز بایکدیگر تفاوت داشته‌اند. در تعدادی از آن‌ها برادلی و همکاران (۱۹۹۵؛ ۱۹۹۶) و واتکینز و همکاران (۱۹۹۶؛ ۲۰۰۰) افراد مبتلا به افسردگی بالینی و در گروهی دیگر برادلی و همکاران (۱۹۹۴)، رویز-کابالرو (۱۹۹۴؛ ۱۹۹۷) و اسکات و همکاران (۲۰۰۱) افراد مبتلا به افسردگی غیربالینی با شدت‌های مختلف افسردگی شرکت کرده‌اند.

همچنین در پژوهش رویز-کابالرو و گانزالز (۱۹۹۴، ۱۹۹۷) افراد افسرده از نظر میزان اضطراب مورد ارزیابی و کنترل قرار نگرفته‌اند. با توجه به این که اضطراب و افسردگی همگامی نزدیکی بایکدیگر دارند و در تحقیقات بسیاری به عنوان مثال: (ریچاردز و فرنچ^{۵۹}، ۱۹۹۱؛ آیزنک و بیرن، ۱۹۹۴) ثابت شده است که سطوح بالای اضطراب صفت با سوگیری در حافظه‌ی نهان همراه است، امکان دارد سوگیری منفی یافت شده در افراد افسرده در آزمون حافظه‌ی نهان ناشی از خلق افسرده نباشد و در اثر اضطراب به وجود آمده باشد.

همان‌گونه که ملاحظه شد پژوهش‌های انجام شده در زمینه‌ی حافظه‌ی نهان و افسردگی از جنبه‌های مختلفی بایکدیگر تفاوت داشته‌اند و به نتایج مختلفی نیز دست یافته‌اند. این تنوع در روش‌ها و نتایج، از یک سو، رسیدن به یک نتیجه‌گیری قطعی و معتبر را با اشکال روبه‌رو می‌سازد و از سوی

دیگر نیاز به انجام پژوهش‌های بیشتر را در این زمینه نشان می‌دهد. بنابراین پیشنهاد می‌شود برای روشن ساختن یافته‌های ناهمگن موجود، در پژوهش‌های بعدی از جامعه‌ی پژوهشی گسترده‌تر، انواع دیگر آزمون‌های حافظه‌ی آشکار و نهان و شرایط رمزگردانی متنوع‌تری استفاده گردد.

یادداشت‌ها

- | | |
|---|--|
| 1. Bias | 2. Clark & Mc Manus |
| 3. Systematic preference | 4. Clark & Fairburn |
| 5. Beck schema approach | 6. Baddley , Kopelman & Wilson |
| 7. Bower | 8. Healy, Proctor & Weiner |
| 9. Associative network | 10. Node |
| 11. Braddley, Mogg & Miller | 12. Explicit memory |
| 13. Free recall | 14. Williams, Watts, MacLeod & Mathews |
| 15. Graf & Mandler | 16. Banos, Medina & Pascual |
| 17. Integration | 18. Elaboration |
| 19. Dalgleish & Power | 20. Scott, Mogg & Braddley |
| 21. Recognition | 22. Word stem completion |
| 23. Word fragment completion | 24. Eysenk & Byrne |
| 25. Denny & Hunt | 26. Watkins, Mathews, Williamson & Fuller |
| 27. Ruiz – Caballero & Ganzalez | 28. Ridout, Astell, Reid, Glen & Ocarroll |
| 29. Tarsia, Power & Sanavio | 30. Bazin, Perruchet, De Bonis & Feline |
| 31. Danion, Kauffmann- Muller, Grange, Zimmermann & Greth | 33. Lang & Crask |
| 32. Ilsley, Moffoot & Ocarroll | |
| 34. Lexical decision task | |
| 35. Watkins, Vache, Verney, Muller & Mathews | |
| 36. Word association | 37. Watkins, Martine & Stern |
| 38. Word retrieval | 39. Cognitive content specificity hypothesis |
| 40. Beck depression inventory | 41. Corraze |
| 42. General Health Questionnaire | 43. Goldberg & Hiller |
| 44. Landh & Ost | 45. Mansel & Clark |
| 46. Buchner & Wippich | 47. Groth – Marnat |
| 48. Power point | 49. Repeated measure analysis of variance |
| 50. Hertel & Hardin | 51. Elliott & Greene |
| 52. Blaney | 53. Self reference |
| 54. Sub threshold | 55. Suprathreshold |
| 56. Semantic | 57. Toth, Reingold & Jacoby |
| 58. Roediger & Mc Dermott | 59. Richards & French |

منابع

الف. فارسی

- بیابانگرد، اسماعیل و جوادی، فاطمه. (۱۳۸۳). سلامت روانشناختی نوجوانان و جوانان شهر تهران، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال چهارم، ۱۴، ۱۳۹-۱۵۵.
- پژهان، مهرداد، دلاور، علی، احدی، حسن و ایروانی، محمود. (۱۳۸۲). بررسی تأثیر آزمون‌های حافظه نهان و سطح پردازش بر آماده سازی حافظه. فصلنامه دانش و پژوهش در روان‌شناسی. سال پنجم، ۱۶، ۱-۱۶.
- حبیب، سپیده و شیرازی، محمدعلی. (۱۳۸۲). رضایت شغلی و سلامت روانی در کارکنان یک بیمارستان عمومی. فصلنامه اندیشه و رفتار. سال هشتم، ۴، ۶۴-۷۳.
- کراز، ژاک. (۱۳۸۱). بیماری‌های روانی. ترجمه محمد منصور و پریخ دادستان. تهران: انتشارات رشد.
- کلارک، دیوید. م. و فربورن، کریستوفر. ج. (۱۳۸۰). دانش و روش‌های کاربردی رفتار درمانی شناختی. ترجمه حسین کاویانی. تهران: انتشارات فارس.
- گراث- مارنات، گری. (۱۳۷۹). راهنمای سنجش روانی برای روان‌شناسان بالینی، مشاوران و روان‌پزشکان. ترجمه حسن پاشا شریفی و محمدرضا نیکخو. تهران: انتشارات رشد.
- لطفی افشار، صابر. (۱۳۷۶). سوگیری حافظه‌ی ضمنی و آشکار در بیماران مضطرب و افسرده. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد روان‌شناسی بالینی چاپ نشده. انستیتوی روان پزشکی تهران. دانشگاه علوم پزشکی ایران.
- هومن، عباس. (۱۳۷۷). استاندارد سازی پرسشنامه سلامت عمومی بر روی دانشجویان دوره‌های کارشناسی. حوزه معاونت دانشجویی و فرهنگی. مرکز مشاوره دانشجویی دانشگاه تهران.

ب. انگلیسی

- Baddeley, A. D., Kopelman, M. D. and Wilson, B. A. (2002). **The Handbook of Memory Disorders**. John Wiley & Sons, Ltd.
- Banos, R. M., Medina, P. M. and Pascual, J. (2001). *Explicit and Implicit Memory Biases in Depression and Panic Disorder*. **Behaviour Research and Therapy**, 39, 61-74.
- Bazin, N., Perruchet, P., De Bonis, M. and Feline, A. (1994). *The Dissociation of Explicit and Implicit Memory in Depressed Patients*, **Psychological**

Medicine, 24, 239-245.

Bazin, N., Perruchet, P. and Feline, A. (1996). *Mood Congruence Effect in Explicit and Implicit Memory Tasks: A Comparison Between Depressed Patients, Schizophrenic Patients and Controls*. **European Psychiatry**. 11, 390-395.

Blaney, P. H. (1986). *Affective and Memory: A Review*. **Psychological Bulletin**. 99, 229-246.

Bradley, B. P. and Mathews, A. (1983). *Negative self-Schemata in Clinical Depression*. **British Journal of Clinical Psychology**. 22, 173-181.

Bradley, B. P., Mogg, K. and Miller, N. (1996). *Implicit Memory Bias in Clinical and Non-Clinical Depression*. **Behaviour Research and Therapy**. 34, 865-879.

Bradley, B. P., Mogg, K. and Williams, R. (1994). *Implicit and Explicit Memory for Emotional Information in Non-Clinical Subjects*. **Behaviour Research and Therapy**. 32, 65-78.

Bradley, B. P., Mogg, K. and Williams, R. (1995). *Implicit and Explicit Memory for Emotion-Congruent Information in Clinical Depression and Anxiety*. **Behaviour Research and Therapy**. 33, 755-770.

Buchner, A. and Wippich, W. (2000). *On the Reliability of Implicit and Explicit Memory Measures*. **Cognitive Psychology**. 40, 227-259.

Clark, D. M. and Mc Manus, F. (2002). *Information Processing in Social Phobia*. **Biological Psychiatry**. 51, 92-100.

Dalgleish, T. and Power, M. (1999). **Handbook of Cognition and Emotion**. New York: Wiley & Sons Ltd.

Danion, J. M., Kauffmann-Muller, F., Grange, D., Zimmermann, M. A. and Greth, P. (1995). *Affective Valence of Words, Explicit and Implicit Memory in Clinical Depression*. **Journal of Affective Disorders**. 34, 227-234.

Denny, E. B. and Hunt, R. R. (1992). *Affective Valence and Memory in Depression: Dissociation of Recall and Fragment Completion*. **Journal of Abnormal Psychology**. 101, 575-580.

- Elliott, C. L. and Greene, R. L. (1992). *Clinical Depression and Implicit Memory*. **Journal of Abnormal Psychology**. 101, 572-574.
- Eysenk, M. W. and Byrne, A. (1994). *Implicit Memory Bias, Explicit Memory Bias, and Anxiety*. **Cognition and Emotion**. 8, 415-431.
- Goldberg, D. P. and Hillier, V. (1979). *A Scaled Version of General Health Questionnaire*. **Psychological Medicine**. 9, 131-145.
- Healy, A. F., Proctor, R. W. and Weiner, I. (2003). **Handbook of Psychology (Vol. 4): Experimental Psychology**. New Jersey: John Wiley & sons Inc.
- Ilsley, J. E., Moffoot, A. P. R. and O Carroll, R. E. (1995). *An Analysis of Memory Dysfunction in Major Depression*. **Journal of Affective Disorders**. 35, 1-9.
- Lang, A. J. and Craske, M. G. (1997). *Information Processing in Anxiety and Depression*. **Behavior Research and Therapy**. 35, 451-455.
- Lundh, L. G. and Ost, L. G. (1997). *Explicit and Implicit Memory Bias in Social Phobia. the Role of Subdiagnostic Type*. **Behavior Research and Therapy**. 35, 305-317.
- Mansell, W. and Clark, D. M. (1999). *How do I Appear to Others? Social Anxiety and Processing of the Observable Self*. **Behaviour Research and Therapy**. 37, 419-434.
- Neshat-Doost, H. T. (1997). **Cognitive Characteristics of Clinically Depressed Children and Adolescents**. Unpublished PhD Thesis, Institute of Psychiatry. University of London.
- Neshat-Doost, H. T., Taghavi, M. R., Moradi, A. R., Yule, W. and Dalgleish, T. (1998). *Memory for Emotional Trait Adjectives in Clinically Depressed Youth*. **Journal of Abnormal Psychology**, 107, 642-650.
- Ridout, N., Astell, A. J., Reid, I. C., Glen, T. and Ocaroll, R. E. (2003). *Memory Bias for Emotional Expressions in Major Depression*. **Cognition and Emotion**. 17, 101-122.
- Ruiz-Caballero, J. A. and Ganzalez, P. (1994). *Implicit and Explicit Memory Bias in Depressed and Nondepressed Subjects*. **Cognition and Emotion**. 9, 555-569.

Ruiz-Caballero, J. A. and Ganzalez, P. (1997). *Effects of Level Processing on Implicit and Explicit Memory and Depressed Mood*. **Motivation and Emotion**. 21, 195-207.

Scott, K. M., Mogg, K. and Bradley, B. P. (2001). *Masked Semantic Priming of Emotional Information in Subclinical Depression*. **Cognitive Therapy and Research**. 25, 505-524.

Tarsia, M., Power, M. J. and Sanavio, E. (2003). *Implicit and Explicit Memory Biases in Mixed Anxiety-Depression*. **Journal of Affective Disorders**. 77, 213-215.

Watkins, P. C., Martine, C. K. and Stern, L. D. (2000). *Unconscious Memory Bias in Depression: Perceptual and Conceptual Processes*. **Journal of Abnormal Psychology**. 109, 282-289.

Watkins, P. C., Mathews, A., Williamson, D. A. and Fuller, R. D. (1992). *Mood-Congruent Memory in Depression: Emotional Priming or Elaboration?* **Journal of Abnormal Psychology**. 101, 581-586.

Watkins, P. C., Vache, K., Verney, S. P., Muller, S. and Mathews, A. (1996). *Unconscious Mood-Congruent Memory Bias in Depression*. **Journal of Abnormal Psychology**. 105, 34-41.

Williams, J. M. G., Watts, F. N., MacLeod, C. and Mathews, A. (1988). **Cognitive Psychology and Emotional Disorders**. New York: Wiley.

Williams, J. M. G., Watts, F. N., MacLeod, C. and Mathews, A. (1997). **Cognitive Psychology and Emotional Disorders**. (2nd Ed.). New York: Wiley.